

ذره بین

۴ مامور شهرداری در دادگاه کیفری از خود دفاع کردند  
پرداخت دیه و زندان مجازات قتل کارگر بازیافت

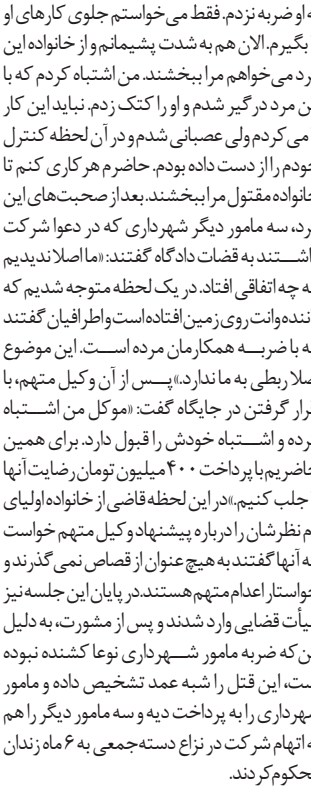


شهروند | مامور شهرداری که با مشت و لگد باعث مرگ کارگر بازیافت شده بود، صبح دیروز در دادگاه کیفری استان تهران به پرداخت دیه محکوم شدند. این حادثه در روز ۱۶ مرداد سال ۹۳ اتفاق افتاد. آن روز کارگر بازیافت به همراه پسرش با یک خودروی وات در خیابان در حال گذر بود. پدر و پسر ۱۲ ساله از محل زندگی شان در پاسگاه نعمت آباد تهران به راه افتادند و ساعتی بعد وقتی به میدان ۱۹۶ غربی در تهرانپارس رسیدند، حادثه تلخی برای آنها رخ داد. کارگر جوان قربانی واکنش عجیب اکیب سدمعیر شهرداری منطقه ۴ شد.

ماجرا از این قرار بود که وقتی ماموران سد معبر، راننده و ات را دیدند به او تذکر دادند که چرا در خیابان سد معبر کرده است. آنها این کارگر ۴۱ ساله را از خودرویش بیرون کشیدند و با او درگیر شدند. این مرد جوان هم با ماموران سد معبر درگیر شد و در نهایت در مقابل چشمش پسر نوچولش زیر مشت و لگدی یکی از آنها پشوش شد. این پدر باخبر به سنگین یکی از ماموران سدمعیر روی زمین افتاد. دقیقی بعد تیمی از ماموران کلانتری و اورژانس راهی محل حادثه شدند و تجسس های خود را در این رابطه آغاز کردند. ماموران کلانتری برای بررسی ماجرا وارد عمل شدند و بدن نیمه جان این مرد را به بیمارستان امام حسین انتقال دادند. ولی پس از انتقال به بیمارستان بود که مشخص شد این مرد به کما رفته است. کارگر بازیافت پس از گذشت ۶ روز تسلیع مرگ کشد با جنایی شدن پرونده بازپرس کشیک دادسرای امور جنایی تهران به تیمی از پلیس ماموریت داد تا به بررسی این قتل بپردازند. تجسس های پلیسی در نخستین مرحله از تحقیقات منتهی شد و پرونده اموری برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. صبح دیروز ۴ مامور شهرداری در مقابل سه قاضی جنایی دادگاه کیفری استانداد و از خود دفاع کردند. پسر شهرداری به هیات قضایی گفت: پدرم خیاط بود و آن روز با هم برای کاری به شرق تهران رفتیم که ماموران شهرداری، خودروی پدرم را متوقف کردند و با عنوان این که وی با واوت دوره گردی می کند قصد توقیف خودروی پدرم را داشتند. بعد از آن ماموران با ناسزاگویی پدرم را در مقابل چشمش من به یاد کتک گرفتند و آن قدر او را زدند که وی تشنج کرد و به کما فرو رفت. در ادامه یکی از شاهدان ماجرا که از معازنه داران آن محل بود در جایگاه ایستاد و ماجرای حادثه را شرح داد. سپس متهم در جایگاه ایستاد و به سه قاضی جنایی در مورد اتهامش گفت: اتهام قتل را قبول ندارم، اما این را قبول دارم که با مقتول درگیر شدم، باور کنید قصد کشتن کسی را نداشتم، با هیچ وسیله ای هم به او ضربه نزدم. فقط می خواستم جلوی کارهای او را بگیرم. الان هم به شدت پشیمانم و از خانواده این مرد می خواهم مرا ببخشند. من اشتباه کردم که با این مرد درگیر شدم و او را کتک زدم. نباید این کار را می کردم ولی عصبانی شدم و در آن لحظه کنترل خودم را از دست دادم. حاضرم هر کاری کنم تا خانواده مقتول مرا ببخشند. بعد از صحبت های این مرد، سه مامور دیگر شهرداری که در دعوا شرکت داشتند به جایگاه ایستاد و اظهارات خود را در دادگاه خواندند. به هیات قضایی گفتند: «ما اصلا ندیدیم که چه اتفاقی افتاد. در یک لحظه متوجه شدیم که راننده و ات روی زمین افتاده است و اطرافیان گفتند که با ضربه همکارمان مرده است. این موضوع اصلا ربطی به ما ندارد.» پس از آن وکیل متهم، با قرار گرفتن در جایگاه گفت: «موکل من اشتباه کرده و اشتباه خودش را قبول دارد. برای همین حاضریم با پرداخت ۴۰۰ میلیون تومان رضایت آنها را جلب کنیم.» در این لحظه قاضی از خانواده اولیای دم نظرشان را در باره پیشنهاد وکیل متهم خواست که آنها گفتند به هیچ عنوان از قصاص نمی گذرند و خواستار اعدام متهم هستند. در پایان این جلسه نیز هیات قضایی وارد شدند و پس از مشورت، به دلیل این که ضربه مامور شهرداری نوعا کشنده نبوده است، این قتل را شبه عمد تشخیص داده و مامور شهرداری را به پرداخت دیه و سه مامور دیگر را هم به اتهام شرکت در نزاع دسته جمعی به ۶ ماه زندان محکوم کردند.

پهناز مقدسی | هیجان و استرس برای سوار شدن به سرسره بوستان جهاد، مرگ در ناک پسر بچه ای ۹ ساله را رقم زد. این حادثه در حالی رخ داده است که خانواده این پسر که با مراجعه به نادرسی جنایی تهران از شهرداری از شهرداری منطقه ۱۷ به خاطر استاندارد نبودن وسایل بازی کودکان در بوستان شکایت کردند قرار است مردم پس از ساعت های شلوغ پایتخت و از میان ترافیک و دود و دم خیابان ها و بزرگراه ها برای استراحت و تفریح به پارک ها و بوستان ها بروند، اما حوادث غیر مترقبه در این نقطه سبز امنیت جانی را از شهروندان سلب می کند. مرگ و صدمات جانی واقعی است که هر از گاهی از بازی شیرین کودکان در پارک بر جای می ماند و وضعیت استاندارد سازی وسایل بازی پارک ها و شهر بازی ها و نظارت عوامل شهرداری و پیمانکاران بر فضاهای سبز عمومی تهران خلایق است که در این پرونده باید به آن رسیدگی شود. با این حال این سوئمن پرونده در طول ۱۸ ماه گذشته است که خانواده ۳ پسر بچه به دلیل دادست دامن فرزندشان در بوستان ها و زمین های بازی کودکان در منطقه بزرگراه نواب صفوی از شهرداری شکایت دارند. اولین حادثه ۸ اردیبهشت ماه ۹۳ در بوستان جلالی در حاشیه بزرگراه نواب رخ داده بود که در آن پسر بچه ای ۱۰ ساله وقتی به دنبال توپش که در آبمنای پارک افتاده بود، رفت دچار حادثه برقی گرفتگی شد و جان سپرد. دومین حادثه نیز ۱۱ اردیبهشت ماه امسال در زمین فوتبالی واقع در خیابان ملک اشتر رخ داد که در آن سقوط تیرک در دروازه غیر استاندارد روی سوزی ۱۲ ساله که مشغول بازی کردن در زمین بود او را به کام مرگ فرورد.

ماجرای مرگ پسر بچه روی سرسره پارک چند روز پیش بود که پدر و مادری جوان به همراه



پهناز مقدسی | هیجان و استرس برای سوار شدن به سرسره بوستان جهاد، مرگ در ناک پسر بچه ای ۹ ساله را رقم زد. این حادثه در حالی رخ داده است که خانواده این پسر که با مراجعه به نادرسی جنایی تهران از شهرداری از شهرداری منطقه ۱۷ به خاطر استاندارد نبودن وسایل بازی کودکان در بوستان شکایت کردند قرار است مردم پس از ساعت های شلوغ پایتخت و از میان ترافیک و دود و دم خیابان ها و بزرگراه ها برای استراحت و تفریح به پارک ها و بوستان ها بروند، اما حوادث غیر مترقبه در این نقطه سبز امنیت جانی را از شهروندان سلب می کند. مرگ و صدمات جانی واقعی است که هر از گاهی از بازی شیرین کودکان در پارک بر جای می ماند و وضعیت استاندارد سازی وسایل بازی پارک ها و شهر بازی ها و نظارت عوامل شهرداری و پیمانکاران بر فضاهای سبز عمومی تهران خلایق است که در این پرونده باید به آن رسیدگی شود. با این حال این سوئمن پرونده در طول ۱۸ ماه گذشته است که خانواده ۳ پسر بچه به دلیل دادست دامن فرزندشان در بوستان ها و زمین های بازی کودکان در منطقه بزرگراه نواب صفوی از شهرداری شکایت دارند. اولین حادثه ۸ اردیبهشت ماه ۹۳ در بوستان جلالی در حاشیه بزرگراه نواب رخ داده بود که در آن پسر بچه ای ۱۰ ساله وقتی به دنبال توپش که در آبمنای پارک افتاده بود، رفت دچار حادثه برقی گرفتگی شد و جان سپرد. دومین حادثه نیز ۱۱ اردیبهشت ماه امسال در زمین فوتبالی واقع در خیابان ملک اشتر رخ داد که در آن سقوط تیرک در دروازه غیر استاندارد روی سوزی ۱۲ ساله که مشغول بازی کردن در زمین بود او را به کام مرگ فرورد.



عصر جمعه در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان رخ داد

جاده ۳۷ کیلومتری قربانی گرفت

در این حادثه یک مادر به همراه ۲ دختر نخبه اش کشته شدند

شهروند | از سال ها پیش ساکنان جاده نجف آباد - علویچه در اصفهان عنوان «جاده مرگ» را به این مسیر داده اند. مسیری که هر ساله آمار بالای تصادفات را به خود اختصاص داده است. وقوع تصادفات زیاد، این محور را به قتلگاهی برای هوطنان تبدیل کرده است. «جاده مرگ» بار دیگر در اصفهان زنگ خطر را به صدا در آورد. مدت ها است که ساکنان این منطقه شاهد تصادفات هولناکی هستند و حالا یک مادر و ۲ دخترش روز جمعه در همین جاده مرگ سرنوشت تلخی پیدا کردند. عصر روز جمعه ۳۰ مردامه بود مادر و ۲ دخترش در مسیر بازگشت از علویچه به اصفهان بودند که سرنوشتی تلخ حادثه هولناکی را رقم زد. عصر به ساعت ۱۷ عصر از نشان می داد که در تماسی با اتاق فرمان فوریت های پزشکی اصفهان اعلام شد یک خودروی سواری دو سولویا یک کامیون بنز در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان، بعد از شکرک علویچه به شدت برخورد کرده است. پس از اعلام این حادثه بلافاصله ۲ واحد اسنادی از اورژانس ۱۱۵ و نیروهای آتش نشان به منظور رهاسازی مصدومان به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۳ سرنشین خودروی سیلو که یک مادر و ۲ دخترش بودند به دلیل شدت تصادف در دم جان باختند و راننده کامیون که مرگی ۴۶ ساله بود، مصدوم و توسط آمبولانس به در مانگاه علویچه منتقل شد. سهرنگ رضا ضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان اعلام کرد: علت این حادثه انحراف به چپ خودروی سیلو بوده است.

مادر و ۲ دخترش در مسیر بازگشت از علویچه به اصفهان بودند که سرنوشتی تلخ حادثه هولناکی را رقم زد. عصر به ساعت ۱۷ عصر از نشان می داد که در تماسی با اتاق فرمان فوریت های پزشکی اصفهان اعلام شد یک خودروی سواری دو سولویا یک کامیون بنز در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان، بعد از شکرک علویچه به شدت برخورد کرده است. پس از اعلام این حادثه بلافاصله ۲ واحد اسنادی از اورژانس ۱۱۵ و نیروهای آتش نشان به منظور رهاسازی مصدومان به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۳ سرنشین خودروی سیلو که یک مادر و ۲ دخترش بودند به دلیل شدت تصادف در دم جان باختند و راننده کامیون که مرگی ۴۶ ساله بود، مصدوم و توسط آمبولانس به در مانگاه علویچه منتقل شد. سهرنگ رضا ضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان اعلام کرد: علت این حادثه انحراف به چپ خودروی سیلو بوده است.

شهروند | از سال ها پیش ساکنان جاده نجف آباد - علویچه در اصفهان عنوان «جاده مرگ» را به این مسیر داده اند. مسیری که هر ساله آمار بالای تصادفات را به خود اختصاص داده است. وقوع تصادفات زیاد، این محور را به قتلگاهی برای هوطنان تبدیل کرده است. «جاده مرگ» بار دیگر در اصفهان زنگ خطر را به صدا در آورد. مدت ها است که ساکنان این منطقه شاهد تصادفات هولناکی هستند و حالا یک مادر و ۲ دخترش روز جمعه در همین جاده مرگ سرنوشت تلخی پیدا کردند. عصر روز جمعه ۳۰ مردامه بود مادر و ۲ دخترش در مسیر بازگشت از علویچه به اصفهان بودند که سرنوشتی تلخ حادثه هولناکی را رقم زد. عصر به ساعت ۱۷ عصر از نشان می داد که در تماسی با اتاق فرمان فوریت های پزشکی اصفهان اعلام شد یک خودروی سواری دو سولویا یک کامیون بنز در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان، بعد از شکرک علویچه به شدت برخورد کرده است. پس از اعلام این حادثه بلافاصله ۲ واحد اسنادی از اورژانس ۱۱۵ و نیروهای آتش نشان به منظور رهاسازی مصدومان به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۳ سرنشین خودروی سیلو که یک مادر و ۲ دخترش بودند به دلیل شدت تصادف در دم جان باختند و راننده کامیون که مرگی ۴۶ ساله بود، مصدوم و توسط آمبولانس به در مانگاه علویچه منتقل شد. سهرنگ رضا ضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان اعلام کرد: علت این حادثه انحراف به چپ خودروی سیلو بوده است.

مادر و ۲ دخترش در مسیر بازگشت از علویچه به اصفهان بودند که سرنوشتی تلخ حادثه هولناکی را رقم زد. عصر به ساعت ۱۷ عصر از نشان می داد که در تماسی با اتاق فرمان فوریت های پزشکی اصفهان اعلام شد یک خودروی سواری دو سولویا یک کامیون بنز در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان، بعد از شکرک علویچه به شدت برخورد کرده است. پس از اعلام این حادثه بلافاصله ۲ واحد اسنادی از اورژانس ۱۱۵ و نیروهای آتش نشان به منظور رهاسازی مصدومان به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۳ سرنشین خودروی سیلو که یک مادر و ۲ دخترش بودند به دلیل شدت تصادف در دم جان باختند و راننده کامیون که مرگی ۴۶ ساله بود، مصدوم و توسط آمبولانس به در مانگاه علویچه منتقل شد. سهرنگ رضا ضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان اعلام کرد: علت این حادثه انحراف به چپ خودروی سیلو بوده است.

گفت و گو با خانواده قربانیان

پسر خواهر زن ۴۲ ساله به «شهروند» گفت: خاله زهرا به همراه ۲ دخترش به نام مینا و محلا برای جشن عروسی به علویچه رفته بودند. عصر جمعه پس از پایان مراسم پاتختی سوار خودروی سیلو شدند تا به اصفهان برگردند اما این حادثه تلخ رخ داد. تصادف بسیار وحشتناکی بود، از خودرو خاله و دختر خاله هایم تنها یک آهن پاره باقی مانده بود. در همان لحظات

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.



عصر جمعه در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان رخ داد

جاده ۳۷ کیلومتری قربانی گرفت

در این حادثه یک مادر به همراه ۲ دختر نخبه اش کشته شدند

شهروند | از سال ها پیش ساکنان جاده نجف آباد - علویچه در اصفهان عنوان «جاده مرگ» را به این مسیر داده اند. مسیری که هر ساله آمار بالای تصادفات را به خود اختصاص داده است. وقوع تصادفات زیاد، این محور را به قتلگاهی برای هوطنان تبدیل کرده است. «جاده مرگ» بار دیگر در اصفهان زنگ خطر را به صدا در آورد. مدت ها است که ساکنان این منطقه شاهد تصادفات هولناکی هستند و حالا یک مادر و ۲ دخترش روز جمعه در همین جاده مرگ سرنوشت تلخی پیدا کردند. عصر روز جمعه ۳۰ مردامه بود مادر و ۲ دخترش در مسیر بازگشت از علویچه به اصفهان بودند که سرنوشتی تلخ حادثه هولناکی را رقم زد. عصر به ساعت ۱۷ عصر از نشان می داد که در تماسی با اتاق فرمان فوریت های پزشکی اصفهان اعلام شد یک خودروی سواری دو سولویا یک کامیون بنز در جاده نجف آباد - علویچه اصفهان، بعد از شکرک علویچه به شدت برخورد کرده است. پس از اعلام این حادثه بلافاصله ۲ واحد اسنادی از اورژانس ۱۱۵ و نیروهای آتش نشان به منظور رهاسازی مصدومان به محل حادثه اعزام شدند. در این حادثه ۳ سرنشین خودروی سیلو که یک مادر و ۲ دخترش بودند به دلیل شدت تصادف در دم جان باختند و راننده کامیون که مرگی ۴۶ ساله بود، مصدوم و توسط آمبولانس به در مانگاه علویچه منتقل شد. سهرنگ رضا ضایی، رئیس پلیس راه استان اصفهان اعلام کرد: علت این حادثه انحراف به چپ خودروی سیلو بوده است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

مدت ها است که اداره راه و شهرسازی قرار است این جاده را تعریف کند اما کمبود بودجه باعث شده هر روز به تعویق بیفتد. این جاده ۳۷ کیلومتری با عرض کم از پشت پلیس راه اصفهان آغاز می شود و تا سمت علویچه ادامه دارد. با توجه به تپه ماهورهای بلندی که دارد دید راننده در طول مسیر کاملاً گرفته می شود و با گرفتن نخستین سبقت در مسیر، حادثه وحشتناکی رخ می دهد. این در حالی است که این جاده تنها جاده مرگ اصفهان نیست جاده حبیباله در شمال شرق اصفهان نیز به جاده مرگ مشهور است.

در دادگاه

محاكمه پدري كه دختر و همسرش را كشت

شهروند | مرد میانسال که پس از یک درگیری مرگبار، همسر و دخترش را قربانی تعصبش کرده بود، در دادگاه کیفری استان تهران محاکمه شد. ۱۴ آذر سال ۹۱ به ماموران پلیس خبر رسید که یک مادر و دختر در خانه شان با ضربات چاقو در قتل رسیده اند. آنها بلافاصله حضور را در دستور کار خود قرار دادند و با حضور در محل حادثه به تحقیق در این رابطه پرداختند. با حضور تیم تحقیق در محل حادثه که خانهای در شهریار بود، مشخص شد پدر خانواده پس از درگیری با همسر و دخترش با ضربات چاقو آنها را به قتل رسانده است. وی خیلی زود دستگیر شد و تحت بازجویی قرار گرفت. این مرد در بازجویی ها به پلیس گفت: مدتی بود که به رفتارهای دخترم مشکوک شده بودم. تصور می کردم که با پسری غریبه در ارتباط است.

برای همین پیگیری شدم و در نهایت فهمیدم که دخترم با پسر غریبه ای در ارتباط است. پس از اطمینان از این موضوع روز حادثه با او درگیر شدم و آن قدر از دستش عصبانی شدم که با چاقو او را کتک زدم. بعد از آن مادرش آمد و دخالت کرد که مجبور شدم ضربه ای هم به او بزنم. اصلا قصد کشتن همسرم را نداشتم و تنها می خواستم دخترم را بکشم تا برویمان نرود. اما او دخالت کرد و این اتفاق افتاد.

با اعتراف این مرد میانسال وی صحنه جنایت را بازسازی کرد و پرونده اش برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. این مرد ۵۰ ساله صبح دیروز در مقابل سه قاضی جنایی شعبه دهم از خودش دفاع کرد. در این جلسه نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و برای متهم تقاضای مجازات کرد. پس از آن خانواده اولیای دم از دادگاه درخواست قصاص کردند. سپس متهم با قرار گرفتن در جایگاه به هیات قضایی گفت: دخترم داشت آبروی مرا می برد. برای همین او را کتشم. اگر همسرم دخالت نمی کرد او الان زنده بود و من کاری با او نداشتم. در یک لحظه عصبانی شدم و ضربه ها را زدم. الان هم از کارم پشیمان هستم.

در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شدند تا حکم نهایی درباره این پرونده را به زودی صادر کنند.

آژیر

پایان وحشت آفرینی ۵۰ قلمه کش در شرق پایتخت

۵۰ شرور که با قلمه کنسی و داد و فریاد، رعب و وحشت زیادی در یکی از پارک های شهر تهران ایجاد کرده بودند با حضور پلیس در محل متفرق و ۱۰ شرور اصلی دستگیر شدند. ساعت یک پانزده ۲۶ مردامه مردم خیابان پاسدار گمنام، پارک هفت تیر بسا صحنه وحشتناکی روبه رو بودند. ۵۰ قلمه به دست با داد و فریاد و عصبانیت ایجاد رعب و وحشت کرده و همه را در خانه هایشان محبوس کردند. هر لحظه ممکن بود که این وحشت آفرینی یا جنایت پایان یابد. برای همین بلافاصله ماموران کلانتری ۱۱۰ شهیدا که در حال گشتزنی در سطح حوزه استحفاظی بودند در جریان این ماجرا قرار گرفتند. بنابراین بلافاصله ۱۳ کپک از ماموران تخصصی این یگان با توجه به اهمیت موضوع به محل اعزام شدند.

ماموران به محض ورود به پارک حدود ۵۰ نفر از ارذل و اوباش را دیدند که در وسط پارک جمع شده اند و همه قلمه و چاقو و چوب به دست دارند. از آنجایی که آنان عربده کنسی می کردند و هیاهو در پارک به راه انداخته بودند، ماموران با هماهنگی مرکز پیام کلانتری نسبت به دستگیری آنان اقدام کردند. کارآگاهان با توجه به وضع موجود ابتدا ۲ تیر هوایی با اسلحه سازمانی شلیک کردند که همه شروران متفرق شدند و اقدام به فرار کردند. در ادامه ماموران ضمن تعقیب و گریز به صورت پیاده موفق شدند ۳ نفر به نام های «حمید» معروف به «حمید افغان»، «فرخ» و «احسان» را در محل دستگیر کنند. همچنین یک کارد سلاخی از حمید افغان که بر کمرش بوده، کشف شد.

ماموران یکی از ارذل را به نام «عادل» که قلمه یک متری در دست داشت و با دیدن ماموران قلمه را به زمین پرت کرد و متواری شد، دستگیر کردند و در ادامه افرادی به نام های «کریم»، «پیمان» و افراد شرور دیگر به نام های «اصغر»، «احسان»، «حیدر»، «آرپوش» و «خلیل» که در درگیری حضور داشتند شناسایی، دستگیر و به کلانتری منتقل شدند. سهرنگ علی جهان از ازی، رئیس کلانتری ۱۱۰ شهیدا در این باره گفت: در کل ۱۰ نفر از ارذل و اوباش محله بیروزی تهران به سرکردگی «حمید افغان» که از عاملان اصلی شرارت در پارک های منطقه بودند، دستگیر شدند و پس از انتقال به کلانتری ضمن تشکیل پرونده در اختیار ماموران پایگاه ششم پلیس امنیت تهران بزرگ قرار گرفتند.

کلانتری ۱۱۰ شهیدا در حال گشتزنی در



پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله

سرسره پایین آمد هیچ پایگاه اورژانس یا تکنسینی در این بوستان مستقر نبود تا به حال او رسیدگی کند، شاید اگر همان موقع دست به احیای او می زدند بسرم الان زنده بود.» با شکایت این مرد جوان در شعبه پنجم دادسرای جنایی پایتخت به ریاست قاضی حسین پوری، پرونده جهت رسیدگی به دادسرای ناحیه ۱۷ جاع شد.

پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله بود. هنوز سنش خیلی کم بود برای ایست قلبی؛ برای مرگ. هنوز خیلی وقت داشت که کودکی اش را بازی کند در همه پارک ها و بوستان های شهر، اگر آن شب از دالان تاریک و مارپیچ سرسره پارک نمی ترسید، اگر استاندارد و امنیت در وسایل بازی پارک ها و دیگر معابر شهر رعایت می شد، امیر حسین هاو کودکی که قربانی این حوادث مشابه شدند، هنوز فرصت کودکی داشتند. هنوز زنده بودند.

کلانتری ۱۱۰ شهیدا در حال گشتزنی در



پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله

سرسره پایین آمد هیچ پایگاه اورژانس یا تکنسینی در این بوستان مستقر نبود تا به حال او رسیدگی کند، شاید اگر همان موقع دست به احیای او می زدند بسرم الان زنده بود.» با شکایت این مرد جوان در شعبه پنجم دادسرای جنایی پایتخت به ریاست قاضی حسین پوری، پرونده جهت رسیدگی به دادسرای ناحیه ۱۷ جاع شد.

پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله بود. هنوز سنش خیلی کم بود برای ایست قلبی؛ برای مرگ. هنوز خیلی وقت داشت که کودکی اش را بازی کند در همه پارک ها و بوستان های شهر، اگر آن شب از دالان تاریک و مارپیچ سرسره پارک نمی ترسید، اگر استاندارد و امنیت در وسایل بازی پارک ها و دیگر معابر شهر رعایت می شد، امیر حسین هاو کودکی که قربانی این حوادث مشابه شدند، هنوز فرصت کودکی داشتند. هنوز زنده بودند.

کلانتری ۱۱۰ شهیدا در حال گشتزنی در



پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله

سرسره پایین آمد هیچ پایگاه اورژانس یا تکنسینی در این بوستان مستقر نبود تا به حال او رسیدگی کند، شاید اگر همان موقع دست به احیای او می زدند بسرم الان زنده بود.» با شکایت این مرد جوان در شعبه پنجم دادسرای جنایی پایتخت به ریاست قاضی حسین پوری، پرونده جهت رسیدگی به دادسرای ناحیه ۱۷ جاع شد.

پایان زودهنگام کودکی «امیر حسین» ۹ ساله بود. هنوز سنش خیلی کم بود برای ایست قلبی؛ برای مرگ. هنوز خیلی وقت داشت که کودکی اش را بازی کند در همه پارک ها و بوستان های شهر، اگر آن شب از دالان تاریک و مارپیچ سرسره پارک نمی ترسید، اگر استاندارد و امنیت در وسایل بازی پارک ها و دیگر معابر شهر رعایت می شد، امیر حسین هاو کودکی که قربانی این حوادث مشابه شدند، هنوز فرصت کودکی داشتند. هنوز زنده بودند.